

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۲۰ فبروری ۲۰۲۱

وقتی خانم شاعر انجمن قلم ایران در تبعید از تروریست جمهوری اسلامی دفاع می‌کند!

برتولت برشت در کتاب زندگی گالیله می‌گوید:

آن‌که حقیقت را نمی‌داند نادان است،

آن‌که حقیقت را می‌داند ولی انکار می‌کند تبهکار است.

طبیعی است که افکار عمومی در حرکت‌های اعتراضی و وقایع مختلف سیاسی و اجتماعی و فرهنگی بر علیه جمهوری اسلامی و هر نوع تعرض به حقوق انسان بر موضع‌گیری چهره‌های شناخته‌شده و تاثیرگذار فرهنگی و هنری حساس می‌شود. و حتی چنین واکنش‌هایی را انتظار می‌کشد.

اما جامعه ما، جامعه‌ای عجیب و غریبی است و در داخل و خارج کشور هیچ چیزی سر جایش نیست. از اینرو گاهی با مسایلی روبه‌رو می‌شویم که بسیار شگفت‌زده می‌شویم و انگشت به دهان می‌مانیم.

برای مثال اخیرا شاعری به نام «زیبا کرباسی» که اتفاقا عضو کانون نویسندگان ایران در تبعید و همچنین عضو «انتصابی» انجمن قلم ایران در تبعید نیز است از یک تروریست محکوم شده جمهوری اسلامی آن‌چنان حمایت کرده است که باور کردنی نیست.

من شخصا از نزدیک خانم «زیبا کرباسی» را ندیده‌ام و دست‌کم در ۱۵ سال گذشته وی در هیچ‌کدام از مجامع عمومی کانون نویسندگان ایران در تبعید و انجمن قلم ایران در تبعید حضور نداشته است. در نتیجه نداشتن رابطه نزدیک افراد با همدیگر خود به خودی نه نشانی از صمیمیت دارد و نه خصومت. بنابراین انتقاد من به خانم زیبا کرباسی جنبه شخصی نداشته و کاملا سیاسی است. سؤال این که زیبا در مقابل این همه وحشی‌گری‌ها و آدم‌کشی‌ها و ترورها و سرکوب سیستماتیک زنان و غیره جمهوری اسلامی ایران موضع‌گیری نکرده است اما او ناگهان در مورد یک جنایت مهم یعنی محکومیت تروریسم جمهوری اسلامی آن‌چنان به نتایج دادگاه بلجیم که تروریست‌های جمهوری اسلامی را محکوم کرده به شدت معترض است به طوری که که فراخون اعتراض عمومی علیه آن داده و فراتر از هم ادعا می‌کند که در اعتراض به حکم این دادگاه علیه مهرداد عارفانی اشعار خود را به آتش خواهد کشید! آن‌هم در دورانی که باز هم تروریسم جمهوری اسلامی در کشورهای اروپایی به ویژه در ترکیه به سرتیتر رسانه‌ها ارتقا یافته است.

حدود سه سال است که دستگیری و دادگاه اسدی دیپلمات - تروریست جمهوری اسلامی به همراه سه همدستش در بلجیم در جریان است و در این مورد اخبار و گزارشات فراوانی نیز وجود دارد. هنگامی که من هم در ابتدای این دستگیری‌ها و دادگاه بلجیم اولین مطلب را نوشتم بلافاصله از خانم کرباسی امیلی دریافت کردم که نوشته بود مهرداد عارفانی شاعر است و برای او توطئه درست کرده‌اند. من در جوابش نوشتم چه توطئه‌ای و چگونه؟ اما جوابی دریافت نکردم تا این که فراخوان زیبا کرباسی در فیس‌بوک خود فراخوان عمومی داد که بر نتایج دادگاه بلجیم و حکم ۱۷ سال زندان مهرداد عارفانی اعتراض کنند که این مسأله در ادامه به فیس‌بوک من هم کشیده شد و ده‌ها کامنت در زیر یادداشت‌های من یا جواب خانم کرباسی به من و منتقدین و معترضین نوشته شده است. در این مورد رفقا و دوستان زیادی چه از طریق تلفن و یا امیل و غیره با من تماس گرفتند از جمله این سؤال را مطرح کردند که چرا اعضای کانون نویسندگان ایران در تبعید و انجمن قلم ایران در تبعید به ویژه هیات دبیران انجمن قلم ایران در تبعید در این مورد سکوت کرده‌اند ضرورت نوشتن این مطلب بوده است.

بسیار جالب است که به نوشته مطبوعات بلجیم، در دوره‌ای که اسدی در زندان شهر هاسلت محبوس بود، بسیاری از مقام‌های ایرانی با او ملاقات کردند؛ علاوه بر دو پزشک ایرانی، اسدی با هفت عضو سفارت جمهوری اسلامی ایران در بلجیم و به ویژه پنج کارمند وزارت خارجه ایران که به طور ویژه در سال ۲۰۱۹ از ایران آمده بودند، ملاقات کرد. این پرونده، نقطه عطفی در روابط ایران و اروپا به شمار می‌رود، هرچند که سایه وحشت ترورها و کشتارهای فرامرزی مخالفان جمهوری اسلامی از سوی نیروهای امنیتی‌اش همچنان گسترده است.

در ۴۲ سال گذشته جمهوری اسلامی پیوسته از سوی مخالفین خود متهم بوده است که از موقعیت دیپلماتیک به عنوان پوششی برای جاسوسی و عملیات ترور مخالفین خود در خارج از ایران استفاده می‌کند. مهم‌ترین نمونه در این مورد، حکم دادگاه برلین در آلمان، معروف به «دادگاه میکونس» است که در بهار ۱۹۹۷-۱۳۷۳ در رسیدگی به ترور رهبران کرد در رستوران میکونس در پایتخت آلمان، رهبر جمهوری اسلامی ایران سیدعلی خامنه‌ای، رئیس‌جمهور وقت علی اکبر هاشمی رفسنجانی، وزیر امور خارجه وقت علی اکبر ولایتی و وزیر اطلاعات وقت علی فلاحیان را به دخیل بودن در این ترور متهم کرد.

با وجود این، هیچ‌گاه فردی با سمت دیپلماتیک در یک کشور غربی دستگیر و به جرم عملیات تروریستی محاکمه نشده بود. محاکمه و محکومیت اسدالله اسدی از این نظر اولین نمونه بوده و تأییدی است بر ادعای مخالفین حکومت ایران که مراکز دیپلماتیک این رژیم تروریست، خانه‌های امن صدور تروریسم دولتی است. البته هفته گذشته یک دیپلمات جمهوری اسلامی را به دلیل شراکت در ترور یک شهروند ایران در استانبول در ترکیه دستگیر کردند.

زیبا کرباسی به حدی حواسش بود که در اولین یادداشت خود در فیس‌بوکش اظهار نگرانی کرد و نوشت: من ترس دارم در دفاع از مهرداد عارفانی مرا از کانون نویسندگان ایران در تبعید و انجمن قلم ایران در تبعید اخراج کنند اما هنوز ساعتی نگذشته بود که با چراغ سبز دادن اعضای قدیمی کانون که گویا زیبا احساساتی شده و چنین موضعی را گرفته است قوت قلب گرفت و در مقابل منتقدین خود ایستاد و از موضع خود سرسختانه دفاع کرد اما سرانجام ظاهراً مجبور شد موضع خود را با اما و اگرهای زیادی پس بگیرد.

اما زیبا سرانجام عقب‌نشینی کرد و با گفتن این که من یادداشت خودم در دفاع از مهرداد عارفانی را از صفحه خودم برمی‌دارم فکر کرد ماجرا تمام می‌شود. حتی برخی دوستان نوشتند که زیبا شاعر است و این موضع را به طور احساسی و فکر نکرده انجام داده است در حالی که خود کرباسی می‌گوید من درباره این دادگاه با چند وکیل صحبت و مشورت کرده و... بنابراین همه این فاکت‌ها نشان می‌دهند که خود خانم کرباسی حدود سه سال است با این پرونده

درگیر است و درباره دفاع از یک تروریست محکوم شده در دادگاه بلجیم حساب شده موضع گرفته است. اما در این میان زیبا چه هدفی را دنبال می‌کند و چرا از مهرداد عارفانی دفاع می‌کند هنوز روشن نیست. اظهارات زیبا کرباسی در فیس‌بوک خودش و من از جمله در رابطه با آشنائی‌اش با مهرداد عارفانی بسیار متناقض است. کامنت زیر را از فیس‌بوک زیبا کرباسی گرفته‌ام: «۲۴ juni 2020

دوستان عزیزم

مدت‌هاست کامپیوتری را که بهترین دوست خوب زندگی‌ام اردشیر مهرداد برایم هدیه داده بود از کار افتاده ست با آن کامپیوتر گاه می‌توانستم فیلم‌های کوتاه بگیرم و برای شما پست کنم...

خانم کرباسی از کجا می‌دانید که این کامپیوتر اهدائی مهرداد عارفانی (به گفته کرباسی شاعر کارگر بی‌پول با دست‌های پینه بسته) به شما از همان کامپیوترهائی نباشد که اسدالله اسدی به او داده و او هم به شما هدیه کرده است؟ چون که پولیس از دفترچه‌ای که از اسدی کشف کرده از جمله لیست اسامی حدود ۳۰۰ نفر وجود دارد که در سال‌های اخیر اسدی به آن‌ها پول نقد و یا کامپیوتر داده است.

در تیرماه ۱۳۹۷، جمعیتی بین ۱۵ تا ۲۰ هزار نفر از نقاط مختلف در شانزدهمین گردهمایی آن سال شورای ملی مقاومت مجاهدین در ویلپنت، در حومه پاریس شرکت کردند، اما هیچ کدام خبر نداشتند که کسانی در پی تبدیل این گردهمایی به «حمام خون» هستند.

حکم اسدی پس از برگزاری چند جلسه دادگاه در مدت حدود سه سال، روز پنج‌شنبه ۱۶ بهمن‌ماه ۱۳۹۹ از سوی قاضی دادگاه آنتروپ صادر شد. او در این پرونده به جرم «تلاش برای بمب‌گذاری» در همایش تیرماه ۱۳۹۷ سازمان مجاهدین خلق در حومه پاریس و همچنین اقدام «تروریستی» به ۲۰ سال زندان محکوم شد.

علاوه بر اسدی، همدستانش که سایر مجرمان پرونده را تشکیل می‌دهند نیز احکام زندان دریافت کرده‌اند و تابعیت بلجیم از آن‌ها سلب می‌شود.

امیر سعدونی با ۱۵ سال حبس، نسیمه نعیمی با ۱۸ سال حبس و مهرداد عارفانی با ۱۷ سال حبس از دیگر محکومان این پرونده هستند.

قاضی دادگاه گفته بمبی که اسدی می‌خواسته در همایش سازمان مجاهدین خلق در پاریس منفجر کند در ایران تولید و با چمدان دیپلماتیک به اروپا حمل شده است.

بمب ۵۰۰ گرم تی‌ای‌تی‌پی (تری‌استون تری‌پراکسید) که اسدی به امیر و نسیمه بسیار داده بود بسیار مورد توجه و استفاده تروریست‌ها و بمب‌گذاران انتحاری است، چون به راحتی با سنسورهای فرودگاه‌ها و اماکن نظامی شناسائی نمی‌شود و همچنین قابلیت انفجاری بسیار زیادی دارد. با این حال، این دو خود در دادگاه مدعی بودند که از قدرت این ماده منفجره آگاه نبودند.

همان روز برگزاری گردهمایی، حوالی ساعت ۱۹، مهرداد عارفانی سومین مظنون که یک شاعر متولد ۱۹۶۳ و ساکن شهر اوکل بلجیم بود، در پارکینگ سالن نمایشگاه‌های ویلپنت، محل برگزاری گردهمایی شورای ملی مقاومت ایران بازداشت شد. او بی‌خبر از بازداشت امیر و نسیمه، منتظر آنان بود تا مراحل نهائی طرح بمب‌گذاری را اجرا کنند.

بر اساس بررسی حساب پی‌پل مهرداد عارفانی، او یک جلیقه ضدگلوله نظامی، یک ضبط صوت جاسوسی و یک میکروفون یقه‌ای خریداری کرده بود و همچنین پولیس در خانه او تجهیزات جاسوسی از جمله عینک‌هائی با دوربین مخفی و عکس‌هائی از دفتر سازمان مجاهدین خلق پیدا کرد. به گفته پولیس، او از اسدی ۲۲۶ هزار یورو دریافت کرده بود.

همچنین بر اساس گزارش که پنجشنبه ۲۱ ژانویه ۲۰۲۱ در رسانه‌ها منتشر شده با کشف یک دفترچه رمز و یک دفترچه حاوی رسید پرداخت‌های نقدی و چند هزار یوروی اسدالله اسدی، دیپلمات بازداشت شده جمهوری اسلامی، اداره جنائی فدرال آلمان و دستگاه‌های اطلاعاتی این کشور تحقیقات خود درباره هدایت یک حلقه بزرگ جاسوسی تحت هدایت او در اروپا را آغاز کردند.

آنچه توجه پولیس را جلب کرده این است که اسدی به هنگام دستگیری چندین قبض دریافت پول همراه داشته که نشان‌دهنده پرداخت‌های نقدی است. گیرندگان این پول‌ها افرادی با نام‌های بسیار رایج ایرانی هستند که رسیده‌ها را امضا کرده‌اند و هنوز هویت آن‌ها مشخص نشده است.

از جمله یکی از این افراد مبلغ دو هزار و ۵۰۰ یورو دریافت کرده و دیگری پنج هزار یورو و شخص دیگری دریافت یک لپ‌تاپ را تأیید کرده است. نیروهای جنائی پولیس آلمان احتمال می‌دهند این پرداخت‌ها می‌تواند مزد افرادی باشد که برای جاسوسی استخدام شده‌اند.

خبر کشف دفترچه‌ها و تحقیقات تازه درباره نقش اسدالله اسدی در توزیع پول نقد و احتمالاً اداره یک حلقه بزرگ از مأموران جمهوری اسلامی در اروپا که از جمله به جاسوسی پرداخته‌اند در گزارشی آمده است که وب‌سایت شبکه یک تلویزیون آلمان به نقل از منابع اطلاعاتی و پولیس جنائی فدرال این کشور درباره جزئیات فعالیت‌های اسدالله اسدی منتشر کرد.

در میان یافته‌های پولیس آلمان از وسایل اسدی، یک دفترچه یادداشت دیگر که شطرنجی، به رنگ سبز و ۲۰۰ برگه است نیز وجود دارد همراه با رسیدهایی که نشان می‌دهد این دیپلمات جمهوری اسلامی در میان افرادی در کشورهای مختلف اروپائی «پول نقد» توزیع کرده است.

به گفته مقام‌های امنیتی آلمان این اسناد شواهدی را نشان می‌دهند که دبیر سوم سفارت جمهوری اسلامی در اتریش، سفرهای زیادی به کشورهای اروپا داشته است.

اکنون اداره جنائی فدرال آلمان (BKA) که از سوی دادستان کل این کشور در حال تحقیق درباره فعالیت‌های اسدالله اسدی است، به دنبال یافتن پاسخ این سؤال است که آیا اسدالله اسدی رهبری یک حلقه بزرگ از کسانی را بر عهده داشته که وظایف مختلف از جمله خبرچینی و جاسوسی را در چندین کشور اروپائی بر عهده داشته‌اند.

در این دفترچه سبز که به دست پولیس آلمان افتاده است در مجموع ۲۸۹ یادداشت دست‌نویس به خط لاتین و فارسی وجود دارد که شامل آدرس مراکز دیدنی، مغازه‌ها، هتل‌ها و رستوران‌ها هستند، و در هر مورد زمان و تاریخ نیز ذکر شده است.

مأموران اطلاعاتی آلمان متوجه شده‌اند که این اطلاعات مربوط به ۱۱ کشور از جمله فرانسه، اتریش، جمهوری چک، مجارستان، بلجیم، هلند و ایتالیا است اما حدود ۱۴۴ یادداشت نیز مربوط به مراکزی در آلمان است.

تعدادی از فعالین سیاسی و فرهنگی مقیم آلمان با انتشار بیانیه‌ای جمعی از دولت آلمان خواسته‌اند لیست اسامی جاسوسان جمهوری اسلامی ایران را به طور علنی منتشر کند. (این بیانیه زیر همین مطلب ضمیمه است)

پیش از این، اتحادیه اروپا تحریم‌هایی را علیه اداره امنیت داخلی وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران اعمال کرده و «سعید هاشمی مقدم» معاون وزیر اطلاعات ایران و «اسدالله اسدی» را به دلیل دست داشتن در فعالیت‌های تروریستی در اروپا تحریم کرده بود.

درباره دست داشتن مأموران جمهوری اسلامی در اقدام تروریستی، سوءقصد و آزار مخالفان حکومت در خارج پرونده‌های زیادی وجود دارد. اما این نخستین بار است که یک «دیپلمات» این کشور در اروپا محاکمه و به اتهام

سازماندهی اقدام تروریستی به زندان طولانی مدت محکوم می‌شود. به همین دلیل جمهوری اسلامی ایران از برگزاری چنین دادگاهی بسیار خشمگین است.

جمهوری اسلامی و وکلایش که جهت دفاع از اسدالله اسدی تروریست و همدستانش به خدمت گرفته بود، پافشاری می‌کردند که «با توجه به مأموریت دیپلماتیک اسدی، دادگاه بلجیم صلاحیت رسیدگی به اتهام ایشان را ندارد.» اما دادگاه بلجیم با این استدلال این «که مصونیت دیپلماتیک اسدالله اسدی در کشور محل مأموریتش بلجیم بوده، اما بازداشت او در آلمان و محاکمه‌اش در بلجیم انجام شده و مصونیت دیپلماتیک برای فعالیت دیپلماتیک است نه اقدام خرابکارانه، مصونیت دیپلماتیک را شامل حال او ندانست.»

باید با تلاش‌های پیگیر پولیس و دستگاه قضائی آلمان را مجبور کرد تا لیست اسامی جاسوسان جمهوری اسلامی در این ۱۱ کشور را هرچه زودتر به اطلاع افکار عمومی برسانند.

زیبا کرباسی در فیس‌بوک خود این‌چنین فراخوان داده است:

«به دوست شاعرمان مهرداد عارفانی هفده سال زندان بریده اند

به او تهمت تروریست زده اند

چرا که بخاطر معاش خانواده اش برای فیلمبرداری به یک جلسه دعوت شده

وکیل او گفته است بخاطر یک تلفنی که به ایران زده این اتهام را به او بسته اند

تلفن شماره ی برادرش بوده

کسی چه می داند در این مدت چه کشیده

او را زنده یاد تیرداد نصری دوست و برادرم همچون جان عزیز دوست می داشت

من هر شعر تازه ای که می نوشتم صدای شعرم را می فرستادم تا مهرداد آن ها را با تاریخ در جایی امن حفظ کند

همه ی آن سایت ها بسی پیش از این اتفاق از بین رفت

حتی برخی شعرها را در ایمیل نیز پیدا نکردم

اما با همه ی این حرف ها من اعتراضم را به دستگیری زندان و تهمتی که به او بسته اند اعلام می کنم

دلم خون است از این که چنین بلائی سر او آورده اند

نزدیک ترین دوستانم نیز وقتی نامش را می آورم سریع موضوع را می خواهند عوض کنند

من حتی با نوشتن این چند کلمه احساس تهدید شدن می کنم

و ما شاعران بی رگ بی همه چیز بیغ کک مان نمی گزد

اگر او را بیگناه زندانی کرده اند و ما تنها تماشاگریم و کاری از دست مان بر نمی آید با مرده چه فرق داریم از خودم

بیزارم از این مفلوجی بیچارگی ناتوانی از این که قدرت کمک کردن به دوست و برادر شاعرم در این مصیبت نداشته

باشم

اگر در میان شما کسی کوچکترین پیوندی یا هم حسی و هم غمانی با من دارد لطفن بیان کند

شعری از او را روی صفحه اش بگذارد

حرفی بزند

کاری کند

وگرنه همه ی شعرهایم را آتش خواهم زد

وقتی جان شاعر به ارزنی نمی ارزد
کجائی ای میرزا کوچک خان کجائی
شاعری از دیار تو غریب و بی کس در غربت به زندان است
کسی کی می داند چرا
چگونه
چه کسی پای او را به این ظلمت کشیده است
چرا
چرا
زیبا کرباسی»

از فیس‌بوک بهرام رحمانی: جواب به سؤالات دوستانی که در رابطه با موضع زیبا کرباسی و دفاع او از مهرداد عارفانی که به همراه دیپلمات - تروریست جمهوری اسلامی توسط دادگاهی در بلجیم به ۱۷ سال زندان محکوم شده است.

دوستان و رفقای از طریق امیل تلفن و فیس‌بوک از من سؤال کرده‌اند که شما درباره دادگاه تروریست‌ها جمهوری اسلامی در بلجیم چندین مطلب نوشته‌اید اما اکنون عضو هیات دبیران انجمن قلم ایران در تبعید نه تنها این دادگاه را توطئه نامیده بلکه در دفاع از یکی از این تروریست‌های جمهوری اسلامی به نام مهرداد عارفانی دفاع کرده و به مردم هم فراخوان داده مانند او به این دادگاه اعتراض کنند و حتی امکان دارد اشعار خود را به عنوان اعتراض به این دادگاه به آتش بکشد. چرا شما که عضو این انجمن هستید سکوت کرده‌اید. به علاوه خانم زیبا کرباسی همین دو هفته پیش امضایش را در کنار ۱۱ عضو دیگر کانون نویسندگان ایران در تبعید و انجمن قلم ایران در تبعید گذاشته که در آن آمده است فیس‌بوکی به نام «ادبیات در تبعید» دست ساخته سربازان گمنام امام زمان است. کسی از مسایل پشت پرده این اطلاعیه خبر ندارد اما دادگاهی در بلجیم دست‌کم با همکاری قوه قضائیه چهار کشور اروپائی دیپلمات - تروریست جمهوری اسلامی و سه همدست او با برخورداری از وکیل مدافع و حق دفاع از خود سه سال است در جریان بوده و جمهوری اسلامی نیز از همه امکانات خود برای جلوگیری از محاکمه آن به کار گرفته است چگونه زیبا کرباسی در فیس بوک خود از جمله نوشته است: «به دوست شاعرمان مهرداد عارفانی هفده سال زندان بریده‌اند به او تهمت تروریست زده‌اند و...» او تاکید کرده که هرکس کاری انجام دهد و در اعتراض به این دادگاه اشعار خود را بسوزاند؟! چرا کرباسی تاکنون درباره ترورها و اعدام‌های جمهوری هیچ موضعی نگرفته است؟

این دوستان سؤال کرده‌اند: چرا دیگر اعضای هیات دبیران و شما و سایر اعضای کانون نویسندگان ایران در تبعید و انجمن قلم ایران در تبعید در این مورد سکوت کرده‌اید؟

جواب من به این دوستان این است که اولاً من عضو هیات دبیران انجمن قلم ایران در تبعید نیستم و پیشنهاد کردم اعتراض خود را مستقیماً به هیات دبیران انجمن قلم ایران در تبعید بفرستند. در مورد نامه‌ای که ۱۲ عضو کانون و انجمن از جمله زیبا کرباسی امضا کرده است را نیز از همان ۱۲ نفر بپرسید چون بقیه اعضای این نهادها از آن خبر نداشتند تا این که مانند شما آن‌ها را در سایت‌های کانون و انجمن دیدند. من انتقاد خودم به این نامه را کتبا به هیات دبیران کانون و انجمن فرستاده‌ام.

به علاوه کرباسی در هیچ مجمعی انتخاب نشده است بلکه پس از فوت زنده‌یاد شهروز رشید دو عضو دیگر هیات دبیران خودشان و بدون نظرخواهی از اعضا او را به عضویت هیات دبیران انتساب کرده‌اند. من در آن موقع اعتراض انتخاب ایشان را به طور کبّتی به هیات دبیران انجمن قلم فرستاده بودم.

من هم مانند شما عزیزان این اقدام زیبا کرباسی را شدیداً محکوم می‌کنم و از هیات دبیران انجمن قلم ایران نیز می‌خواهم که نظر خود را در این مورد به اطلاع افکار عمومی برسانند. به نظر من کسی که از تروریست محکوم شده جمهوری اسلامی دفاع می‌کند جایش در نهاد نویسندگان و هنرمندان و هیچ سازمان و نهاد مخالف جمهوری اسلامی نیست!

با احترام

بهرام رحمانی

ششم فبروری ۲۰۲۱

جواب زیبا کرباسی در فیس‌بوک بهرام رحمانی: بهرام عزیز خیلی متأسفم که این نظام پست جهان دیوث چنین بلائی سر مردم از هر قشر می‌آورد و به هیچ کس رحم نمی‌کند و باور ما را به انسان‌ها آلوده و کثیف می‌کند ایمان ما را به جهانی بهتر می‌دزد دوست‌های ما را خائن بار می‌آورد جان و قلب و شرف و زندگی آدم‌ها را به بازی می‌گیرد خیلی غمگینم از این اتفاق‌ها از نام رفیع شاعری شرم می‌کنم وقتی چنین اتفاق‌هایی می‌افتد من با خواندن مطالب بسیاری که دوستانم فرستادند به این نتیجه رسیدم که باید نوشته‌ام را پاک کنم و همین کار را نیز کردم.

جواب بهرام به یادداشت خانم زیبا کرباسی در همین صفحه:

خانم زیبا کرباسی شما مختارید هر کاری انجام دهید و بگوئید و بنویسید به همین دلیل دوست دارید نوشته‌تان را پاک کنید خود دانید. اما موقعی که لیوان لبریز شد و آبی بیرون ریخت دیگر نمی‌توان آن را به درون لیوان برگرداند. مگر این که شما توضیح دهید چرا این همه از این فرد حمایت می‌کنید. چه تحقیقاتی درباره این پرونده خطرناک تروریستی کرده‌اید و به این نتیجه رسیده‌اید که عارفانی بی‌گناه است؟ چرا شما این ترور را محکوم نکرده‌اید؟ حالا اگر بگوئید به این دادگاه اعتماد ندارید و شک می‌کنید بحث دیگری است. اما با تمام قدرت از کسی که از خانه‌اش کلی پول نقد درآوردند و پول زیادی هم در حساب بانکی‌اش داشته و دستگاه‌های جاسوسی کشف کرده‌اند و دو سال است جمهوری اسلامی در تلاش است از این دادگاه جلوگیری کند و می‌گوید به دیپلمات او پاپوش درست کرده‌اند ناگهان شما به عنوان شاعر و عضو انتصابی هیات دبیران انجمن قلم ایران در تبعید وارد صحنه می‌شوید و به دفاع از کسی برمی‌خیزید که در هر صورت زیر سؤال است. البته در این مورد هیات دبیران انجمن قلم ایران در تبعید مسئولیت دارند که تصمیم‌گیری کنند. من به هیچ دادگاهی باور ندارم و می‌دانم که در پشت پرده دولت‌ها چه معاملاتی کثیفی با همدیگر می‌کنند و حتی قوانین خود را نیز زیر پا می‌گذارند. اما اگر خانه شما و مرا دزد بزند و حتی تروریست‌های جمهوری اسلامی تلاش کنند به شما آسیب برسانند به کجا و به چه مرجعی مراجعه می‌کنید؟ برخی شعار می‌دهند که نه به دادگاه‌های غربی و نه به دادگاه‌های جمهوری اسلامی. چنین موضعی بسیار پرت و به دور از واقعیت‌هاست! به علاوه در دادگاه‌های غربی روزنامه‌نگار و وکیل مدافع حضور دارند، حق دفاع وجود دارد پس چگونه و با چه منطقی می‌توان با دادگاه‌های جمهوری اسلامی که نخست جرم زندانی را در زیر شکنجه به او دیکته می‌کنند و سپس در دادگاهی که حق دفاع از خود را ندارد و وکیل مدافع هم ندارد محکوم می‌کنند مقایسه کرد؟! البته منظورم شما نیستید هستند مدعیانی که در این

صفحه چنین پرت و پلاهایی را نوشته‌اند. شما اگر به نقد موضع خود رسیده‌اید لااقل علنی بنویسید نه این که در مقابل منتقدین همواره مقاومت کنید و بر بی‌گناهی عارفانی پافشاری کنید چون شاعر است. ما در تاریخ کم شاعر درباری و حکومتی نداشتیم و الان هم کم نداریم. بی‌شمارند هنرمندانی و شاعرانی که در بارگاه خامنه‌ای این سردرسته آدمکشان و تروریست‌های جمهوری اسلامی با آب و تاب شعرشان را می‌خوانند و خامنه‌ای هم با آن زبان زهرآگین و پنجه‌های خونی خود آفرین‌آفرین می‌گوید! کسب و کار دایمی سران و مقامات و نهادهای سیاسی و قضائی و نظامی جمهوری اسلامی ایران در این ۴۲ سال حاکمیت‌شان تهدید و وحشت و شکنجه و اعدام و ترور و دزدی و فساد بوده است بنابراین جامعه آگاه جامعه اجازه نمی‌دهد به بهانه‌های مختلف جنایات این حکومت پردمپوشی شود. این که دیروز کسی عضو فلان سازمان و نهاد بود امروز نمی‌تواند همدست تروریست‌های جمهوری اسلامی ایران شود تصوری خام و خودفریبی و یا فریب دیگران است. خود همان عارفانی عضو سازمان مجاهدین بود و دو نفر دیگر نیز تصاویر زیادی با سران مجاهدین دارند و در تظاهرات‌هایشان شعار مرگ بر خامنه‌ای سر می‌دادند. به علاوه اکنون در رسانه‌ها آمده است که اسدالله اسدی دیپلمات - تروریست جمهوری اسلامی ایران در ۱۱ کشور یک شبکه بزرگ جاسوسی تشکیل داده است ما به عنوان اپوزیسیون سرنگونی‌طلب آزادی‌خواه و برابری‌طلب جمهوری اسلامی وظیفه آگاهانه داریم تا دولت‌های اروپائی را تحت فشار قرار دهیم تا لیست اسامی این شبکه جاسوسی را اعلام کنند!

هفتم فبروری ۲۰۲۱

اسدالله اسدی، که پولیس اروپا او را از مسئولان اصلی ایستگاه اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران در کل این قاره می‌داند، نخستین دیپلمات ایرانی و احتمالاً عالی‌ترین مقام اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران است که به اتهام دست داشتن در یک «اقدام تروریستی در خاک اروپا» محاکمه شد.

بنابر ارزیابی نهادهای اطلاعاتی غربی، سازمان‌های اطلاعاتی فرامرزی ایران جمهوری اسلامی ایران در چند سال اخیر سیاستی تهاجمی‌تر در اروپا و حتی خاورمیانه پیش گرفته‌اند؛ اقداماتی که از سطح تحمل اروپا گذر کرده و در نهایت در قالب تقابلهائی پنهان و عیان نمایان شده است.

نهادهای اطلاعاتی غربی در این سال‌ها، ایران را به هدف قرار دادن، تعقیب و جاسوسی گسترده از مخالفان این حکومت متهم کرده‌اند. اما چند اتفاق به طور خاص زنگ خطر جدی را برای اروپا به صدا در آورد.

ژاک راس رئیس سرویس اطلاعاتی بلجیم ۲۰ فوریه به دادستان کل این کشور نوشته است: «پروژه حمله با نام ایران و زیر نظر ایران طراحی شده و این اقدام ابتکار عمل شخصی اسدی نیست.»



تصاویری از دادگاه

در زمان دستگیری اسدالله اسدی، «علی ماجدی»، سفیر وقت جمهوری اسلامی ایران در آلمان گفته بود اسناد و مدارکی که اروپایی‌ها علیه او در اختیار دارند، به قدری قوی است که رد کردن آن به آسانی ممکن نیست. طبق گزارش خبرگزاری‌ها، چند هزار نفر پناهنده‌ای که از کشورهای مختلف به همایش سازمان مجاهدین آورده شده بودند، علاوه بر رهبری این سازمان و هواداران آن، رودی جولیان، شهردار پیشین نیویورک و از مشاوران حقوقی دونالد ترامپ، بیل ریچاردسون، نماینده اسبق آمریکا در سازمان ملل، وزیر اطلاعات و امنیت سابق عربستان و شماری دیگر از چهره‌ها و مقام‌های پیشین غربی حضور داشتند. در صورتی که تروریست‌های حکومت اسلامی ایران موفق به اجرای طرح خود می‌شدند یک فاجعه بزرگ انسانی به وقوع می‌پیوست که احتمالاً عواقب سنگین آن را مردم ایران پرداخت می‌کردند.

نماینده دادستانی روز پنجشنبه حکم دادگاه آنتورپ را «تاریخی» خواند و اسدی را «نخستین مقام ایرانی» خواند که به «جرم تروریسم» محکوم شده است.

به گفته ژرژ هانری بوتیه، حکم دادگاه نشان‌دهنده «دو چیز است: این که دیپلمات‌ها برای جرم و جنایت مصونیت ندارند و... مسئولیت حکومت ایران در اقدامی که می‌توانست کشتار به راه بیندازد.»

در این پرونده «مهرداد عارفانی»، ۵۴ ساله در فرانسه به اتهام همکاری در این طرح بمب‌گذاری، دستگیر شده بود به گفته دادگاه «مهرداد عارفانی» نظارت بر عملیات ترور را بر عهده داشته است.

«العربیه نت»، به اسناد جدیدی درباره هسته ترور جمهوری اسلامی ایران دست یافته که پنجشنبه ۴ فوریه ۲۰۲۱ در دادگاه انتورپ بلجیم به اتهام تروریسم محاکمه شدند. اسناد به‌دست آمده نشان داد که مهرداد عارفانی هوادار سازمان مجاهدین خلق و زندانی سابق در ایران که توسط پولیس فرانسه در ۳۰ ژوئن ۲۰۱۸ در منطقه ویلپنت در محل کنفرانس دستگیر و سپس در ۲۰ ژوئیه ۲۰۱۸ به پولیس بلجیم تحویل داده شد، توسط نیروهای اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران استخدام شده و عهده‌دار مأموریت نظارت و پیگیری تحرکات مجاهدین خلق بود.

مهرداد عارفانی (۵۷ ساله)، به عنوان نویسنده و شاعر سکولار پیشرو در فرانسه شناخته شده بود و در همان زمان، به عنوان یکی از هواداران سازمان «مجاهدین خلق» معرفی و در برخی از فعالیت‌های این سازمان، شرکت کرد.

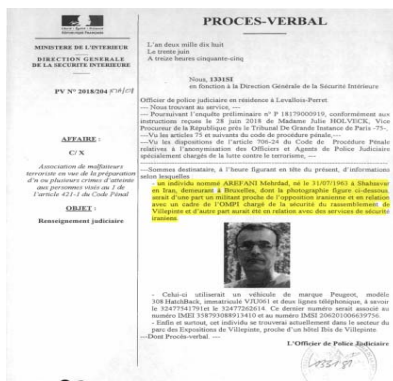
شعر عارفانی در دیوانش، بحث‌برانگیز است زیرا برخی از این اشعار پیرامون ذات خداوندی است که میزان بهره‌برداری سرویس‌های اطلاعاتی ایران از عوامل مختلف از هر طیف و نحله فکری را برای انجام اقدامات تروریستی خود، برجسته ساخت.

العربیه نت به اسناد مربوط به نقش عارفانی در اقدام برای عملیات ناموفق دست یافت که نشان داد او هنگام اجرای عملیات در ایستگاه اتوبوس در ویلپنت، محل برگزاری کنفرانس حضور داشت که قرار بود او نظارت بر آن بر عهده داشته باشد و با اسدی در مورد جزئیات اجرائی، پیام رد و بدل کرده بود.

اسدی با نام مستعار «دانیل» که در ۱ ژوئیه ۲۰۲۰ در آلمان دستگیر شد، همان تلفن «نوکیا ۱۰۵» را داشت که عارفانی از آن استفاده می‌کرد و او را «ا. هود» خطاب می‌کرد. این دو تلفن فقط حاوی پیام‌های رمزگذاری شده‌ای بودند که در مورد این عملیات میان اسدی و عارفانی رد و بدل شده بودند.

عارفانی در دادگاه خود، هرگونه ارتباط با اسدی را انکار کرد و در شهادت خود گفت که تلفن متعلق به «برادرش» است، اما پولیس و دادستانی کل، کلیه جزئیات تحرکاتش، تلفنی را که در اختیار داشت، شماره سیم‌کارت و پیام‌های رد و بدل شده را فاش ساخت.

پولیس فرانسه همچنین یک تلفن نوع «الکاتل» را مصادره کرد که هنگام بازرسی از خانه عارفانی به دست آمده و برای تماس با اسدالله اسدی از طریق شماره تلفن اتریشی او استفاده می‌شد.



براساس اطلاعات العربیه نت، مهرداد عارفانی در اوایل دهه هشتاد قرن گذشته به اتهام هواداری سازمان مجاهدین خلق، در شهر تنکابن دستگیر شد.

عارفانی در سال ۲۰۰۰ به بلجیم آمد و به گروه‌های مدافع سازمان «مجاهدین خلق» پیوست، اما طبق آنچه منابع این سازمان به العربیه نت گفتند، او فعالیت‌ها و تحرکات اعضا و هواداران سازمان را رصد می‌کرد.

عارفانی سمینارهای ادبی، شب‌های شعر و نقد برگزار کرد و با گروه‌های مختلف سیاسی و فرهنگی ایرانی در خارج از کشور، ارتباط برقرار کرد و خود را به عنوان مخالفی مارکسیست معرفی و در فعالیت‌های سازمان در بلجیم، اتریش و بریتانیا شرکت کرد.

او همچنین از طریق انجمن «اس او اس ایران» مستقر در وین به عنوان مدافع حقوق بشر و مخالف رژیم و نماینده آن در بلجیم فعال بود اما مرتباً به اتریش سفر می‌کرد تا با اسدی در سفارت ایران و تحت پوشش انجمن، ارتباط برقرار کند.

عارفانی در سال ۲۰۱۷ پس از انتقال سازمان مجاهدین از عراق توسط سازمان ملل از سال ۲۰۱۶ به آلبانی، مقر جدید سازمان سفر کرد. او به عنوان یکی از هواداران سازمان در برنامه‌ها شرکت می‌کرد، اما در واقع و طبق گفته منابع سازمان، در حال رصد مکان و فعالیت‌های آن و گزارش به دستگاه اطلاعاتی ایران بود.

دادستان فدرال بلجیم در ۳ دسامبر اظهار داشت که طرح بمب‌گذاری بر اساس اطلاعاتی تنظیم شد که توسط عارفانی ارائه شده بود و تدارک این عملیات بدون کمک اطلاعاتی او، امکان‌پذیر نبود.

دادستان عمومی بلجیم همچنین در دادگاه اظهار داشت: «ما نتیجه گرفتیم که نقش مهرداد عارفانی، نظارت بر کار امیر سعدونی و نسیمه نعمی، زوج عامل عملیات بود.»

در جریان دادگاه، عارفانی ادعا کرد که هیچ رابطه‌ای با اسدی ندارد اما امیر سعدونی با عصبانیت فریاد کشید و گفت که عارفانی دروغ می‌گوید زیرا به چشم خود دیده بود که او در سلول زندان با اسدی صحبت می‌کند و از او می‌خواهد، هرگونه ارتباط میان آن‌ها را انکار کند و تلفن را از او گرفت.

امیر سعدونی هنگام بازجویی اعتراف کرد که عارفانی قرار بود دو روز پس از عملیات به ترکیه سفر کند و بلیط هواپیما داشت و از آن‌جا به ایران برود.

شایان ذکر است که جهات ذریع در بازرسی از منزل مهرداد عارفانی، چندین کامپیوتر، جلیقه ضد گلوله، سه سی دی، بیش از ۱۰ قلم و یک سیم‌کارت، بسیاری از دوربین‌های نظارتی و لوازم آن‌ها و مبلغ ۱۵۰۰ یورو پول نقد و یک

قلم دارای قابلیت ضبط صدا و عینکی که می‌توانست از آن‌ها عکس‌برداری و ضبط کند، به دست آوردند که تحقیقات نشان داد برای اهداف جاسوسی بوده است.

این اسناد همچنین نشان داد که از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۸، بیش از ۲۰ هزار یورو علاوه بر ۲۸۴۰۹ یورو پول نقد، به حساب عارفانی واریز شده است در حالی که او ادعا می‌کرد که پناهنده‌ای بدون منبع مالی است و فقط از مزایای پناهندگی ارتزاق می‌کند.

در بازرسی خانه عارفانی انواع یو اس بی‌ها، انواع کامپیوترها، انواع مختلف تلفن‌های موبایل، سیم کارت‌های متعدد، انواع دیسک‌های سخت خارجی، انواع دوربین‌ها به‌دست آمده است. این اقلام از یک وضع کاملاً غیرعادی خبر می‌دهد. اما برخی از اقلام هر گونه ابهام را برطرف می‌کند و روشن می‌کند که دارنده آن‌ها اهداف اطلاعاتی و جاسوسی را داشته است.

دیسک‌های یو اس بی با قابلیت ضبط صدا در خانه مهرداد عارفانی بود و دیسک‌های یو اس بی با قابلیت ضبط کردن از این محل به‌دست آمده است.

ضبط کننده USBVoice یک قلمی با ضبط صوت است که به اندازه یک USB عادی با حافظه داخلی ۸ گیگابایت است و با وصل کردن به خروجی کامپیوتر USB شارژ می‌شود.

در تاریخ ۱۸ ژوئیه ۲۰۱۸ امیر سعدونی گفته که از «اسدی»، یک قلمی USB دریافت کرده که می‌توانست در طی جلسات با آن صدا ضبط کند. این مشابه همان قلمی است که در خانه مهرداد عارفانی پیدا شده است که با آن‌ها امکان ضبط صدا در موقعیت‌های مختلف را داشتند.

در خانه عارفانی همچنین عینک‌های با قابلیت فیلم‌برداری و ضبط صوت کشف شده است. دوربین عینک P ۱۰۸۰ HD یک دوربین فیلم‌برداری دیجیتال با کیفیت بالا مگاپیکسلی مخفی دارد که با آن می‌توان فیلم‌های دیجیتالی با کیفیت عالی ۱۹۲۰:۱۰۸۰ P گرفت.

عکس‌ها و ویدئوها را در این عینک دوربین می‌توان در کارت میکرو SD TFCard با ۳۲ گیگابایت حافظه ذخیره کرد و از طریق پورت USB به کامپیوتر منتقل کرد. عینک P HD ۱۰۸۰ Camera Eyewear دارای میکروفن هم هست.

از جمله از خانه عارفانی تجهیزات زیر کشف شده است:

* ضبط صوت دو منظوره یو اس بی- ضبط صوت جاسوسی صدا و فلاش مموری با قابلیت ضبط با ۸ گیگابایت ظرفیت.

* دستگاه لیزر خود تراز کننده (دستگاه اندازه‌گیری سه بعدی ابعاد اتاق با لیزر) یو اس بی کوچک با ۸ گیگابایت ظرفیت با قابلیت ضبط صوت دیجیتالی با ظرفیت ضبط ۱۵۰ ساعت

* دیسک فلاش مموری ضبط صوت دیجیتالی با ظرفیت ۸ گیگابایت و با بازپخش ام‌پی ۳ به‌صورت استریو

* میکروفن ۳۶۰ درجه کاراوت با یک مینی سوکت وصل ۳.۵ میلی‌متری با کابل رابط برق

* پایه قابل تنظیم چراغ قوه لیزری و دوربین.

وزارت امور خارجه حکومت اسلامی ایران، مانند سابق دستگیری این دیپلمات خود در آلمان را سناریویی برای تخریب روابط ایران و اروپا خوانده است.

حکومت اسلامی ایران در این چهل سال حاکمیت خود، علاوه بر ترور مخالفین خود، همواره حامی و سازمانده تروریسم به ویژه در منطقه بحرانی خاورمیانه بوده است. اگر این حکومت در سال‌های اخیر، همانند دهه‌های نخست

حاکمیت خود دست به ترور نزده است نه این که ماهیتش تغییر کرده است، بلکه به دلایل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و دیپلماسی تحت فشار بوده است.

روح‌الله خمینی بنیان‌گذار حکومت اسلامی ایران، هنگامی که قطع‌نامه ۵۹۸ سازمان ملل را مبتنی بر آتش‌بس جنگ خانمانسوز هشت ساله ایران و عراق را پذیرفت گفت: «جام زهر را سر کشیدیم.» اما او این زهر را به زندان‌ها پاشید و دستگاه قضائی و امنیتی حکومت اسلامی در بهار و تابستان ۱۳۵۷، هزاران زندانی سیاسی را با تمام موازین مخفی‌کاری اعدام کردند. خمینی به دلیل این که افکار عمومی جامعه ایران و جهان را از واقعیت‌های اقتصادی و اجتماعی درونی جامعه ایران منحرف سازد رسماً فتوای ترور سلمان رشدی نویسنده کتاب آیات شیطانی را صادر کرد. بنابراین، تروریسم همزاد حکومت اسلامی ایران است.

هنوز دو ماه پس از استقرار حکومت اسلامی، نگذشته بود که شهریار شفیق فرزند اشرف پهلوی در آذر ۱۳۵۸ در پاریس ترور شد.

متعاقب این ترور، شاپور بختیار، آخرین نخست‌وزیر حکومت پهلوی ایران در مرداد ۱۳۷۰ همراه با سروش کتبیبه منشی خود در پاریس ترور شد. در مرداد ۱۳۷۱، فریدون فرخزاد خواننده و شومن مشهور ایرانی در شهر بن آلمان به شیوه فجیع به قتل رسید.

ترورهای حکومت اسلامی در خارج از کشور ادامه یافت، کاظم رجوی در سوئیس، سیروس الهی فرانسه، عفت قاضی در سوئد، حمله مسلحانه به محل زندگی پناهندگان و ترور حسین کشور در پاکستان، غلام کشاورز در قبرس، صدیق کمانگر در کردستان عراق، علی کاشف‌پور و اکبر قربانی در ترکیه، حمید بهمنی در اتریش، عبدالرحمان قاسملو در شهر وین پایتخت اتریش، صادق شرف‌کندی، به همراه سه تن دیگر از همراهانش در رستورانی به نام «میکونوس» در برلین در شهریور ۱۳۷۱ بود که با دستگیری تروریست‌های حکومت اسلامی، پرونده پر سرو صدائی را به جریان افتاد.

پس از این ترور، تحقیقات قضائی گسترده‌ای به عمل آمد که نزدیک به شش سال به طول انجامید. سرانجام دادگاه آلمان، نه فقط برای عاملان این قتل حکم مجرمیت صادر کرد، بلکه مقامات ارشد حکومت اسلامی ایران، یعنی هاشمی رفسنجانی، رئیس‌جمهوری وقت ایران، علی فلاحیان وزیر اطلاعات وقت، علی‌اکبر ولایتی وزیر امور خارجه وقت و سیدعلی خامنه‌ای رهبر حکومت اسلامی ایران را به دست داشتن در این ترور متهم کرد. در نتیجه، رابطه ایران و اتحادیه اروپا بحرانی شد و اعضای اتحادیه با فراخواندن کلیه سفیران خود مراتب اعتراض شدیدشان را اعلام کردند.

در قتل‌های معروف به «قتل‌های زنجیره‌ای» در سال ۱۳۷۷، فعالین سرشناس کانون نویسندگان ایران، همچون محمدجعفر پوینده، محمد مختاری، مجید شریف و پیش‌تر ده‌ها نویسنده و همچنین پروانه فروهر و داریوش فروهر فعالین سیاسی در تهران به قتل رسیدند. حکومت اسلامی ایران، با فشار افکار عمومی پذیرفت که این نویسندگان و فعالین سیاسی توسط مأموران امنیتی‌شان به قتل رسیده‌اند اما آن‌ها «خودسر» دست به این ترورها زده‌اند. هیچ‌کس این ادعای سران حکومت اسلامی را باور نکرد و افکار عمومی آگاه جامعه، همچنان انگشت اتهام تروریستی را به‌سوی کل حاکمیت اسلامی ایران نشانه رفت.

تروریسم دولتی حکومت اسلامی ایران، لیستی هم از بمب‌گذاری علیه اشخاص و مراکز خارجی در پیشینه خود دارد که برای نمونه می‌توان به انفجار کامیون بمب‌گذاری شده با ۹۰۰ کیلو مواد منفجره در مقابل سفارتخانه آمریکا در ۲۹/۰۱/۱۳۶۲ بیروت اشاره کرد که در آن ۶۳ نفر کشته و بیش‌تر از ۱۲۰ نفر زخمی شدند. همچنین بمب‌گذاری در

مرکز یهودیان در آرژانتین در سال ۱۳۷۳ که ۸۵ نفر در آن کشته شدند. انفجار تروریستی منطقه الخبر سعودی در سال ۱۳۷۵ که موجب کشته شدن ۱۹ سرباز آمریکائی و زخمی شدن ۴۰۰ نفر را در پی داشت.

دادستانی آرژانتین سال ۲۰۰۷ برای برخی از مقامات ایرانی از جمله رفسنجانی حکم جلب بین‌المللی صادر کرد. تعداد زیادی از فعالان سیاسی کرد و اعضای احزاب کردستان ایران در اقلیم کردستان توسط حکومت اسلامی ترور شده‌اند.

«ابوالقاسم مصباحی» یکی از پایه‌گذاران وزارت اطلاعات و امنیت حکومت اسلامی ایران، اعترافات و شهادت خود در دادگاه فدرال آلمان به‌عنوان شاهد، در خصوص ساختار تصمیم‌گیری ترور میکونوس و سایر ترورها، گفته است: «تصمیم‌گیری در رابطه با قتل دگراندیشان در داخل یا خارج کشور در ابتدا بر عهده شخص «آیت‌الله خمینی» بود ولی پس از فوت وی شورایی به نام «شورای امور ویژه» به ریاست «علی خامنه‌ای» تاسیس شد، که اعضای ثابت آن عبارتند از: «علی اکبر هاشمی رفسنجانی»، «علی اکبر ولایتی»، «علی فلاحیان»، «ری شهری»، «فرمانده سپاه پاسداران وقت»، «محسن رضائی»، «رئیس نیروهای انتظامی» وقت، سرتیپ «رضا سیف‌اللهی» و «آیت‌الله خزعلی»، «عضو شورای نگهبان» که در آن زمان وظیفه برنامه‌ریزی و حذف مخالفان و دگراندیشان را بر عهده داشته‌اند.

در چنین شرایطی در این میان کم نیستند هنرمندان بسیار «احساسی» که در طول تاریخ و ایران و جهان ستایشگر فاشیسم و دیکتاتوری و به اصطلاح درباری بودند و هم اکنون هم کم نیستند هنرمند سینما و شاعرانی و به اصطلاح نویسندگانی که در مهمانی‌های شخص خامنه‌ای شرکت می‌کند و در وصف این دیکتاتور بزرگ شعر می‌گویند و سخن‌سرایی می‌کنند.

برای مثال شهریار شاعر بزرگ و معروفی در ایران به ویژه آذربایجان بود و آن طور که من شنیده‌ام بسیار هم حساس و دل نازک بود. محمدحسین بهجت تبریزی، متخلص به شهریار، در سال ۱۲۸۵ در تبریز به دنیا آمد. پدرش «حاج میرآقا بهجت تبریزی» نام داشت که در تبریز وکیل بود. شهریار پس از پایان دوره راهنمایی در تبریز، در سال ۱۳۰۰ برای ادامه تحصیل از تبریز عازم تهران شد و در مدرسه دارالفنون تا سال ۱۳۰۳ و پس از آن در رشته پزشکی ادامه تحصیل داد. او شاعری با قریحه‌ای توانا و زبانی فاخر بود که گاه مایه رشک هم‌عصران نیز می‌شد.

دیوان شعر شهریار پر است از سروده‌هایی که شاعر در آن از ارادت خود به روح‌الله خمینی «امام(ره)» گفته است. ارادت شهریار به خمینی تا آنجا بود که «اصغر فردی» از شاگردانش، در خاطره‌ای از او می‌گوید: «از شهریار در برنامه‌ای رادیویی پرسیدند که به نظر شما به عنوان بزرگترین غزل‌سرای معاصر، بهترین غزل چیست؟ گفت غزل «خدایا خدایا، تا انقلاب مهدی خمینی را نگه دار.»

شهریار در سروده‌ای در وصف خمینی بنیان‌گذار حکومت جهل و جنایت و ترور اسلامی چنین سروده است:

...

این «رهبر کبیر»، «خمینی بت شکن»

خط امان خود از «امام زمان» گرفت

سر پنجه «ولی» است کزین آستان برون

بیخ گلوی فتنه آخر زمان گرفت...

شهریار هم‌چنین این سروده را به خمینی تقدیم کرده است:

...

تو فن رهبری دانی که رهبرها بیآرائی
بدین شوق شهادت‌ها چه بیم از لشکر دشمن
که هر آنی تو آن دانی که لشکرها بیآرائی
به فرمان تو پاکان با لقاء الله پیوستند

...

بنا به گزارش مشترک رادیو «ارخوس» و شرکت امنیت سایبری «بیت‌دیفندر»، ۱۸ فوریه ۲۰۲۱، محققان امنیت سایبری سروری (خدمات دهنده‌ای) را در نزدیکی شهر «هارلم» هلند کشف کردند که جهت جاسوسی برای ایران مورد استفاده قرار می‌گرفته است. طبق گفته‌های «ریک دلهااس» خبرنگار شبکه «آرخوس» که در گفت‌وگو با رادیو «NPO1»، حکومت اسلامی ایران از این «سرور» برای جاسوسی از مخالفان سیاسی استفاده می‌کرد. به گفته این خبرنگار، هنگامی که یک مرد ایرانی مقیم هلند از طریق برنامه چت تلگرام «فایل» مشکوکی از سوی یک فعال اپوزیسیون ایرانی دریافت کرد، این سرور کشف و فوراً فعالیت آن به حالت تعلیق درآمد. دلهااس افزود: خوشبختانه این مرد ایرانی آن «فایل» را نگشود و بنابراین رایانه او هک نشد.

تحقیقات انجام‌شده از سوی شرکت «بیت‌دیفندر» نشان می‌دهد که تهران از طریق این «بدافزار» جهت نفوذ و هک کردن رایانه‌ها و تلفن‌های همراه مخالفان و منتقدان در داخل ایران و کشورهای هلند، سوئد، آلمان و هند استفاده می‌کرده است. پیش‌تر، این بدافزار ایرانی از سوی کارشناسان امنیت سایبری مورد شناسایی قرار گرفته بود اما با کشف مکان سرور پشتیبانی‌کننده، ابعاد جدیدی از فعالیت جاسوسی ایران در هلند کشف و ضبط می‌شود.

سرور پیدا شده در شهر هارلم، سرور فرمان و کنترل نامیده می‌شود. این سرور از طریق ارسال «بدافزار» توسط هکرها برای نفوذ در رایانه و موبایل و سرقت اطلاعات و داده‌های شخصی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

این سرور توسط یک شرکت ثبت شده در قبرس به مالکیت یک تبعه رومانی اداره می‌شده است. سرور مذکور از یک شرکت آمریکایی به اجاره گرفته شده بود که به محض آگاهی از فعالیت‌های جاسوسی آن، طرف آمریکایی به لغو قرارداد این سرور اقدام کرد.

در اواخر سال گذشته نیز شرکت امنیت سایبری «بیت‌دیفندر» با همکاری خبرنگاران شبکه «آرخوس» موفق به کشف یک سرور جاسوسی دیگری در هلند شده بودند.

فهرستی طولانی از «تروریسم جمهوری اسلامی ایران در داخل و خارج کشور» «اعدام‌های علنی و مفی» کشتن زندانیان در زیر شکنجه و حتی تجاوز جنسی» «چرائی فقر و بیماری و بیکاری» گرفته تا چرائی «اعتیاد، فساد و فحشا، سرنوشت کودکان، خودکشی کودکان زنان و ناامیدی از آینده و تامین زندگی» را می‌توان برشمرده و نتیجه گرفت که مردم دردشان را فریاد می‌زنند و فقط زندگی، خوبی، امنیت شعلی و جانی، آرامش و آزادی می‌خواهند، حق تنفس بدون درد، بدون خون، بدون خشم. مردم چرائی داغ مادران ایران را می‌دانند و جمهوری اسلامی رعب و وحشت و ترور و مافیائی را به خوبی می‌شناسند.

این دردها و رنج‌های فزاینده و فرسایشی مردم متأسفانه امر بسیاری از هنرمندان ما همچون زیبا کرباسی نیست در حالی که شاعر و هنرمند و نویسنده بودن هم به خودی خود توجیه‌گر هیچ امری نیست و جایگاه ممتازی به کسی

نمی‌دهد. جایگاه ممتاز هر انسانی در حق‌طلبی، آزادی‌خواهی، دادخواهی، برابری‌طلبی و انسان‌دوستی او نهفته است نه در پست و مقام و تحصیلاتش!

فعالین سیاسی و فرهنگی و همچنین نیروهای اپوزیسیون سرنگونی‌طلب و رادیکال جمهوری اسلامی ایران به ویژه نیروهای چپ در این بیش از چهار دهه حاکمیت خونین جمهوری اسلامی با صدای بلند افکار عمومی جهان را مورد خطاب قرار می‌دهند تا جهان جمهوری اسلامی ایران را به دلیل جنایت علیه بشریت بایکوت سیاسی کند و سران و مقامات آن به هر کشوری پا گذاشتند به دادگاه کشانده شوند و محکوم گردند اما اکنون شاعر بسیار «حساسی؟!» پیدا شده تا این شعار را برعکس کند و فراخوان دهد همه علیه دادگاه تروریسم جمهوری اسلامی ایران و محکومیت مهرداد عارفانی را محکوم کنند. فراتر از این خودش هم می‌خواهد اشعارش را به عنوان اعتراض به حکم این دادگاه و محکومیت مهرداد عارفانی آتش بزند. اما طبق یادداشت‌های خودش او نه احساسی و ناگهانی بلکه دو سال است در این مورد فکر و تلاش می‌کند.

در پایان بار دیگر تاکید کنم که اکنون او ظاهراً در اثر فشار سیاسی مجبور به عقب‌نشینی از این موضع خود شده است. اما او بر خلاف منشور و اساسنامه کانون نویسندگان ایران در تبعید و انجمن قلم ایران در تبعید حرکت کرده است. زیبا کرباسی عضو کانون نویسندگان ایران در تبعید و انجمن قلم ایران در تبعید و عضو هیأت دبیران انجمن قلم ایران در تبعید است. آیا مسؤولین این نهادها در مقابل این حرکتی که تاکنون نیز به حیثیت و سابقه این دو نهاد دموکراتیک نویسندگان و هنرمندان و مترجمان لطمه زده باید سکوت کنند؟ یا برعکس علناً نظر خود را در این مورد به جامعه اعلام کنند؟ چه آگاهانه و چه ناآگاهانه و چه بخواهیم و نخواهیم این حرکت زیبا به این دو نهاد لطمه زده است. علاوه بر کامنت‌هایی که بر روی صفحه من نوشته شده چندین برابر آن‌ها امیل و تلفن به من زده شده که چرا هیأت دبیران این دو نهاد ساکت هستند و حتی قدیمی این دو نهاد پس از این ماجراها باز هم به اشعار کرباسی لایک می‌زنند؟ جامعه ما با حکومتی طرف است که به هیچ‌کس رحم نمی‌کند و به همین دلیل کمترین حمایت و نزدیکی به آن دودمان افراد سادملوح و نهادهای دموکراتیک و سازمان‌های سیاسی را بر باد می‌دهد. ما موظفیم این نوع رفتارهای حتی «ناشیانه» و «احساسی» را نقد کنیم تا از تکرار آن جلوگیری شود. سکوت در مقابل چنین اعمالی ممکن است افراد زیادی را به بیراهه ببرد. از این‌رو به نظر من اگر هیأت دبیران کانون و انجمن عکس‌العملی نشان بدهند و دست‌کم به خانم زیبا تذکر بدهند که در اساسنامه انجمن قلم نیز هم آمده است تا در مجمع عمومی مشترک کانون و انجمن در این مورد تعیین تکلیف شود.

از روزگاران گذشته ضرب‌المثل‌هایی برای ما به یادگار مانده که در خور تأمل و تفکر است. یکی از این ضرب‌المثل‌ها «ماه همیشه پشت ابر نمی‌ماند» است.

اگر قدری فکر کنیم می‌فهمیم که ماه زیباتر و بزرگتر از این است که پشت ابر مخفی شود. بنابراین ضرب‌المثل «ماه همیشه پشت ابر نمی‌ماند» اشاره به از بین نرفتن راستی و واقعیت دارد. به عبارت دیگر این مثل بیان می‌دارد که حقیقت همیشه پنهان نیست و واقعیت روزی عیان خواهد شد!

جمعه یکم اسفند [حوت] ۱۳۹۹ - نوزدهم بروری ۲۰۲۱

ضمائم:

***هشدار به نویسندگان و هنرمندان تبعیدی**

کانون نویسندگان ایران در طول چهل و دوسال حکومت استبداد مذهبی و سرمایه داری در ایران در بند، به عنوان نهادی پایدار در دفاع از آزادی بدون حصر و استثناء آزادی اندیشه و قلم و بیان نه تنها مدام مورد فشار و آزار قرار گرفته و نه تنها فعالان و نویسندگان آزاده اش به قتل رسیده و یا به زندان افتاده اند، بلکه حتی مجاز نبوده و نیست برای کشتگانش بزرگداشت برگزار کند.

هم اکنون چهار تن تن از اعضای هیأت دبیران به «جرم» تدوین تاریخچه ۵۰ ساله کانون و بزرگداشت سالگرد قتل های زنجیره ای و یادبود شاعران و نویسندگان وفادار به مردم همچون احمد شاملو و دیگر عزیزان، در زندان اند، بلکه فراتر از آن اجازه دفاع از حق آزادی بیان قلم و اعتراض علیه زندانی شدن هموندان شان را هم ندارند. کانون نویسندگان ایران، بیش از نیم قرن از آغاز برپائی اش مجاز نیست دفتر و دبیرخانه پایداری داشته باشد، و نیز نمی تواند آزادانه نشست هایش را برگزار کند، زیرا توسط نیروهای امنیتی رژیم «تلفی» و «حضوری» مورد تهدید و توهین قرار می گیرد.

شاخه برون مرزی آن؛ «کانون نویسندگان ایران در تبعید» و «انجمن قلم ایران در تبعید» نیز شرایط بهتری ندارند. این دو نهاد با آنکه مستقیم تحت فشار و سرکوب نیستند، مدام در اشکال دیگر تهدید می شوند.

جدا از «مأموران» رنگارنگ اعزامی، جدا از تشکل های هنری، فستیوالی، تئاتری و سینمایی، جدا از کلاس های درس فارسی در سفارتخانه ها و مساجد، جدا از هزاران توطئه و ترور آشکار و نهان؛ چند سالی است که حکومت اسلامی شبکه های موازی و دست ساز تازه تدارک دیده است! شبکه هایی که می کوشند با حیثیت و اعتبار کانون نویسندگان در تبعید و انجمن قلم در تبعید و حتی با فعالانش با شگردهای پیچیده بازی کنند.

به باور ما از جمله این سایت های دست ساز سربازان مخفی امام زمان، یکی هم صفحه ای است فیسبوکی با نام «ادبیات ایران در تبعید»! که با انتخاب نامی مشابه می کوشد مضمون فعالیت کانون و انجمن قلم ایران در تبعید را مصادره کند!! گرداننده یا گردانندگان بی نام و نشان آن در گام نخست از جمله با باز نشر بدون اجازه برخی از آثار نویسندگان تبعیدی، خود را مورد اعتماد این نویسندگان وانمود کرده و با تکیه به آن، با زبانی ناشایست به «کانون نویسندگان در ایران» و انجمن قلم ایران در تبعید و حتا انگ زدن به کنشگران آن، تبلیغاتی دروغین برای خود فراهم می آورند.

ما امضا کنندگان این اطلاعیه از دو ارگان پیوسته به هم: «کانون نویسندگان و انجمن قلم ایران در تبعید» که در راستای منشور «کانون نویسندگان در ایران» فعالند، و سال هاست در دفاع از آزادی اندیشه و بیان در عرصه های بین المللی کوشا هستند، قاطعانه دفاع می کنیم و بر این باوریم که تلاش های این دو نهاد در خدمت آزادی اندیشه و بیان و قلم و در راستای فعالیت های ارگان پایه یعنی کانون نویسندگان ایران است.

ما تلاش این گونه تشکل ها و سایت های دست ساز را که در فضای مجازی آشکار و نهان در جهت اجرای سیاست های پیچیده حکومت جمهوری اسلامی عمل می کنند، به شدت محکوم می کنیم و به دوستان اهل قلم و دیگر هنرمندان هشدار می دهیم که نگذارند تشکل های دست پروده حکومت واپسگرای اسلامی با استفاده و سوء استفاده از آثار آنان، میداندار شده و برای خود کسب اعتبار کنند.

شرایط حساس کنونی، هشیاری بیش از پیش ما را می طلبد!

نعمت آزر

فریار اسدیان

حسین افصحی
ایرج جنتی عطائی
حسن حسام
احسان حقیقی نژاد
منوچهر دوستی
عباس سماکار
علی اصغر فرداد
علی کامرانی
زیبا کرباسی
سیاوش میرزاده

۱۳۹۹ دی ماه ۲۹ برابر ۱۸/۰۱/۲۰۲۱

منبع: سایت‌های کانون نویسندگان ایران در تبعید و انجمن قلم ایران در تبعید

* «پاسخ گردانندگان سایت «ادبیات ایران در تبعید» به امضاء کنندگان اطلاعیه» هشدار به نویسندگان و هنرمندان در

تبعید



متن زیر از سوی مسئولین صفحه فیسبوکی «ادبیات ایران در تبعید»، برای کانون نویسندگان ایران در تبعید ارسال شده است. ما بنا بر لزوم رعایت حق و آزادی بیان این صفحه و نویسندگان آن، وظیفه خود می‌دانیم تا این متن را نیز منتشر و در دسترس عموم قرار دهیم.

هیأت دبیران کانون نویسندگان ایران در تبعید

دروغ به شما دبیران گرامی کانون نویسندگان ایران!

امید که همگی تندرست و پایدار باشید!

پیامی که در زیر می‌بینید آخرین پستی است که صفحه‌ی ادبیات ایران در تبعید در فیسبوک، امروز منتشر کرد و موضوع آن پوزش‌خواهی از مجموعه‌ی اعضای کانون نویسندگان است.
با آرزوی پیروزی هرچه بیشتر شما گرامیان!

ادبیات ایران در تبعید.

موضوع:

سخنی کوتاه درباره‌ی یک سوءتفاهم و پوزش‌خواهی ما از دوستان گرامی‌مان!

دوستان گرامی!

صفحه‌ی ادبیات ایران در تبعید، متشکل است از گروه کوچکی از نویسندگان و هنرمندان تبعید، با وجود این‌که هیچ‌کدام تاکنون به عضویت انجمن قلم ایران در تبعید در نیامده‌اند اما از دوست‌داران همیشگی این نهاد ایرانی بوده‌اند و این صفحه در جهت خدمتی هرچند کم‌مقدار به نویسندگان و شاعران ایرانی‌ای ایجاد شده که از سوی حکومت جنایتکار جمهوری اسلامی به سبب آثار ادبی و انسانی‌شان تحت تعقیب، شکنجه، زندان و تبعید قرار گرفته‌اند. ما دبیران این صفحه‌ی کوچک همیشه خود را از شاگردان دانشگاه وزین کانون نویسندگان ایران و همچنین کانون نویسندگان ایران در تبعید و انجمن قلم ایران در تبعید دانسته‌ایم و همیشه خواهیم دانست. ما چیزی نداریم، اما اگر در جایگاه کسانی که در حوزه‌ی ادبیات قلم به کاغذ می‌رسانند چیزی داشته باشیم بی‌تردید آن را مدیون تلاش‌های مجدانه‌ی بزرگان ادب و فرهنگمان که از اعضای فعال کانون نویسندگان ایران بوده‌اند هستیم. از اینرو پیش‌تر گفته‌ایم و اکنون نیز تکرار می‌کنیم ما درک آزادی بیان، تلاش برای بیان آزادانه و گسترش این مهم را از دانشگاه گران‌سنگ ادبی فرهنگی‌مان یعنی کانون نویسندگان ایران و اعضای بزرگش فرا گرفته‌ایم. ما با ایجاد صفحه‌ی ادبیات ایران در تبعید هدفی جز معرفی آثار ادبی نویسندگان و شاعران بزرگ اما بی‌هیاوی ایرانی تبعید شده نداشته‌ایم، کسانی که شمارشان بسیار و فعالیتشان در ادبیات آزاد و خدمت روشنگرانه بسیار است اما عضو انجمن قلم ایران در تبعید و کانون نویسندگان ایران در تبعید نیستند و بی‌هیاو گوشه‌ای نشسته و به قلم‌فرسائی خود مشغولند. هدف ما بر این اساس بوده که در کنار سایت و صفحه‌های انجمن قلم ایران در تبعید و کانون نویسندگان ایران در تبعید قرار گیریم و در خدمت معرفی آثار این دو نهاد گرانبها روی معرفی کتاب و آثار ادبی تبعید تمرکز کنیم. کسانی که با ما همراه بوده‌اند و هستند با بررسی پست‌های این صفحه می‌توانند به درک هدف خدمتگزارانه‌ی ما برسند.

اما شوربختانه چند روز پیش یکی از دبیران این صفحه‌ی ما بر اساس پیام‌هایی که از چند نویسنده‌ی ایرانی دریافت کرده بوده، مبنی بر نارضایتی‌شان از نحوه‌ی عضوگیری کانون نویسندگان ایران، کامنتی انتقادآمیز در صفحه‌ی شخصی یکی از اعضای گرامی کانون نویسندگان ایران درج می‌کند، و همین موضوع سبب ناراحتی دوستان بسیار گرامی‌مان اعضای باسابقه‌ی کانون نویسندگان ایران می‌گردد.

شوربختانه در این بگو مگوی دوستانه کار به جایی می‌رسد که همکار ما شکیبائی خود را می‌بازد و گفتارش بیشتر به خطا رفته سبب ناراحتی دو شخص بزرگوار و نازنین، آقای میرزاده و آقای معصوم‌بیگی می‌شود.

اما پس از چند ساعت از گفته‌ی خود شرم گرفته و کامنت‌های نادرست خود را حذف کرده و ابراز پشیمانی می‌نماید. در این فاصله گویا دوست بسیار نازنین‌مان آقای میرزاده شتابزده شده متنی انتقاد آمیز برای عقب نشانیدن صفحه‌ی ادبیات ایران در تبعید تدوین کرده و با همراهی عزیزان دیگری از کانون نویسندگان ایران منتشر می‌کند که در خلال آن، صفحه‌ی ما را به ارتباط داشتن با حکومت جنایتکار و غارتگر جمهوری اسلامی محکوم کرده است!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!

تحلیل ما از چنین قضاوت نادرست و غیرمسئولانه‌ی این است که تنها دلیل‌شان برای این تهمت ناروا فقط این بوده که ما هنوز از اعضای انجمن قلم ایران در تبعید نیستیم و به زعم آنها حق هیچگونه انتقادی از افراد عضو را نداریم. لازم به ذکر است ما همیشه مشتاق عضویت در انجمن یاد شده بوده‌ایم و آن نهاد را ارزشمند می‌دانیم، سبب عضو نبودنمان فقط این بوده که همیشه خود را دوستدار و همراه آن دانسته، همراهی عملی را در نظر داشته و نمی‌دانسته‌ایم کارت عضویت این همه اهمیت دارد.

بنابراین، در این بیانیه صفحه‌ی ادبیات ایران در تبعید وظیفه‌ی خود می‌داند با کمال احترام در جهت رفع این سوءتفاهم واکنش نشان دهد، شاید در تسکین این ناخشنودی موثر واقع گردد.

ما نویسندگان صفحه‌ی ادبیات ایران در تبعید، مخصوصاً دبیر مربوطه که ذکر آن رفت، با کمال احترام و قدردانی از تمام اعضای مجموعه‌ی وزین کانون نویسندگان ایران و انجمن قلم ایران در تبعید و کانون نویسندگان ایران در تبعید به خاطر کرده‌ی ناشایسته‌ی همکارمان که سبب ناراحتی دوستان نازنین و گرانقدر، آقای میرزاده و آقای معصوم‌بیگی و همچنین تمامی گرامیانی که از این بگومگوی نازیبا دل‌آزرده شدند به صورت رسمی پوزش‌خواهی می‌کنیم!

امیدواریم این دوستان نازنین به بزرگواری خود اشتباه پیش‌آمده را بخشش کنند!

و لازم می‌دانیم در آخر با تاکید و بلند فریاد کنیم، ما گروهی شاعر و نویسنده‌ایم که به سبب نوشته‌ها و کتاب‌هایمان از سوی حکومت جنایتکار و غیرانسانی جمهوری اسلامی، تهدید، بازداشت، شکنجه و سرکوب شده‌ایم که اکنون در عالم تبعید بسر می‌بریم، و دوستان دل‌آزرده، همراهان این صفحه و تمامی ایرانیان گرامی را خطاب قرار می‌دهیم، ما گروهی شاعر و نویسنده‌ی خدانا‌باور و منتقد دین و تمام مذاهب هستیم که آثار و پست‌هایمان در صفحه‌ی ادبیات ایران در تبعید به روشنی آن را هویدا می‌کند، پس قضاوت شتابزده و ناعادلانه‌ای که درباره‌ی ما کرده‌اند را با تاکید رد نموده و بار دیگر به خاطر کامنت‌های ناشایسته‌ی همکارمان پوزش‌خواهی کرده و آقای میرزاده و دوستان گرامی دیگرمان را به آرامش و سنجش دقیق‌تر دعوت می‌کنیم تا درباره‌ی ما چنین نظر ناروایی ندهند.

با این امید که دوستان گرامی‌مان پوزش‌خواهی ما را بپذیرند و دیگر نام ما دوست‌داران و همراهان خودشان را در کنار نام پست و پلشت جمهوری اسلامی در هیچ گونه متنی ذکر نکنند!

لازم به ذکر است، از آنجا که مجموعه‌ی ادبیات ایران در تبعید، خالصانه خود را خدمتگزار شاعران و نویسندگان ایرانی در تبعید، کانون نویسندگان ایران، انجمن قلم ایران در تبعید و کانون نویسندگان ایران در تبعید می‌داند و اکنون می‌بینیم به عبارتی آمدم خدمت کنیم لعنت شدیم، تا برطرف شدن کامل این ناخشنودی صفحه‌ی خود یعنی ادبیات ایران در تبعید را به حالت تعلیق در می‌آورد و ادامه‌ی فعالیت آن را منوط به رضایت نهادهای نامبرده اعلام می‌کند.

در آخر به سبب این پیش‌آمد از همراهان و دوستان گرامی صفحه‌ی ادبیات ایران در تبعید نیز پوزش‌خواهی می‌کنیم و امیدواریم نهادهای ارزشمند کانون نویسندگان ایران، کانون نویسندگان ایران در تبعید و انجمن قلم ایران در تبعید و گرامیانی که موضوع یادشده سبب رنجش آنها شده بود پوزش‌خواهی ما را بپذیرفته و رضایت خود را در ادامه‌ی فعالیت صفحه‌ی ادبیات ایران در تبعید اعلام کنند تا بتوانیم باز هم در خدمت نویسندگان و شاعران تبعید، دوستان و همراهان این صفحه‌ی ادبی فرهنگی باشیم!

با یک دنیا احترام به تمامی ایرانیان نیک‌سرشت/

مجموعه‌ی ادبیات ایران در تبعید، دوست‌داران و مریدان همیشگی کانون نویسندگان ایران.

۲۰ ژانویه ۲۰۲۱

منبع: سایت‌های کانون نویسندگان ایران در تبعید و فیس‌بوک ادبیات ایران در تبعید

* نامه‌ی سرگشاده‌ی قربانیان تروریسم در ایران به دادستانی کل آلمان فدرال

شنبه ۱۱ بهمن ۱۳۹۹

نامه سرگشاده قربانیان تروریسم در ایران و ایرانیان اپوزیسیون مخالف جمهوری اسلامی به دکتر پتر فرانک دادستانی کل آلمان فدرال در باره مأموریت تروریستی اسدالله اسدی و شرکا و همچنین فعالیت های تروریستی رژیم جمهوری اسلامی ایران

حضور محترم جناب آقای دکتر پتر فرانک دادستان کل آلمان فدرال،

ما به عنوان قربانیان جمهوری اسلامی و شهروندان جمهوری فدرال آلمان با ملیت ایرانی، از شما تقاضای توضیح داریم. همانطور که مطمئن می دانید، رژیم ایران در طی دهه های گذشته، ایرانی های مخالف جمهوری اسلامی در خارج از کشور را با تمامی ابزار ممکن تحت نظر، تهدید و در صورت لزوم به دامن مرگ سپرده است و هر گونه خواست آزادی و دموکراسی را در گلوها خفه کرده است. به اندازه کافی هم نمونه های فعالیت های مأموران رژیم در جمهوری فدرال آلمان وجود دارد. مطمئناً شما حمله به کافه میکونوس در برلین را به خاطر دارید. آخرین سوء قصد، که خوشبختانه به موقع کشف شد و در آن اسدالله اسدی و دیگر افراد “دیپلمات” ایرانی دستگیر شدند، بخوبی نشان می دهد که سرویس مخفی و امنیتی ایران همچنان در خارج از کشور، از جمله در اروپا، به عملیات تروریستی خود ادامه می دهد. طبق گزارش رسانه ها، اسدی با افراد زیادی تماس گرفته است و گفته می شود که آنها به عنوان خبرچین و شرکت کننده در فعالیت های تروریستی از حمایت مالی برخوردار شده اند. از این روی فعالیت های این افراد برای فعالین سیاسی و ایرانی های مخالف جمهوری اسلامی که در آلمان زندگی می کنند، خطر و تهدیدی جدی است. لذا ما صریحاً از شما تقاضا داریم بعد از تحقیقات جامع و کافی و شناختن نام این افراد که به فعالیت های تروریستی رژیم ایران کمک می کنند، آنها را بطور علنی محاکمه نموده و مورد پیگرد قانونی قرار دهید. شما می دانید که ما با رژیمی روبرو هستیم که در داخل و خارج از کشور بدون وقفه به تروریسم خود ادامه می دهد. صدها نفر در خارج از کشور * اخیراً توسط باند تروریستی رژیم ایران و سرویس مخفی ایران به قتل رسیده اند. آنچه جدی است این است که کلیه اقدامات تروریستی توسط بالاترین مقام رژیم ایران سفارش، تأمین مالی و سازماندهی می شوند. ما در اینجا با یک تروریسم دولتی از طرف رژیم ایران سروکار داریم. بنابراین ما از شما می خواهیم که این اعمال تروریستی را بعنوان یک فعالیت تروریستی از سوی رژیم ایران در نظر بگیرید و فراموش نکنید که وجود این گروه از افراد، خطری جدی برای جامعه آلمان و اپوزیسیون مخالف جمهوری اسلامی است. لذا ما بعنوان مخالفان رژیم ایران و همزمان به عنوان شهروندان جمهوری فدرال آلمان، بدون توجه به روابط دیپلماتیک و اقتصادی بین آلمان و جمهوری اسلامی، از این حق برخورداریم که از سوی دولت آلمان محافظت بشویم. از سوی دیگر فاش شدن فعالیت های نمایندگی های رژیم ایران در آلمان و شبکه ها و مؤسسات آنها، از جمله نقشی که سفارتخانه ها و کنسولگری های ایران در این زمینه ایفا می کنند، خطراتی که مخالفان رژیم ایران در آلمان را تهدید می کند، به میزان قابل توجهی کاهش می دهد و این فرصت را به این شهروندان می دهد بدون ترس از حق آزادی بیان خود استفاده کنند.

بنابراین ما از شما می خواهیم که پیگرد قضائی علنی را آغاز کنید. ما از این حرکت می کنیم که رژیم تهران، همانند دادگاه میکونوس، تمامی تلاش خود را برای جلوگیری از محکومیت اسدی و کارمندان و محافظت از خبرچینانش انجام خواهد داد. با این حال، ما اطمینان داریم که دادگستری آلمان، صرف نظر از ملاحظات دیپلماتیک، از حقوق شهروندان خود دفاع خواهد کرد و آنها را در مقابل فعالیت های غیرقانونی کشورهای خارجی از جمله ایران محافظت خواهد کرد.

با احترام فراوان

پروفیسور پرستو فروهر، سہراب مختاری، پرویز دستمالچی، دکتہ نرگس اسکندری۔ گرونبرگ، دکتہ قدسی حجازی، مہدی اصلانی، سیما صاحبی، بہروز اسدی، باقر مرتضوی، حمید نونری، شہرہ بدیعی، اصغر اسلامی، ناہید جعفرپور، محمود معمارنژاد، سعید تبریزی.

بخشی از افرادی کہ توسط رژیم ایران و باند تروریستی رژیم ایران و سرویس مخفی ایران بہ قتل رسیدہ اند: فریدون فرخزاد(بن)، اکبر محمدی(ہامبورگ)، شاپور بختیار(فرانسہ)، عبدالرحمن برومند(فرانسہ)، محمدرضا چیتگر(وین)، غلام کشاورز(قبرس)، کاظم رجوی(سوئیس)، عبدالرحمن قاسملو(وین).